

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

سازمان زنان هشت مارچ (ایران – افغانستان)

۰۴ سپتمبر ۲۰۱۶

دادخواهی واقعی

درهم کوبیدن ماشین سرکوب و کشتار دولت جمهوری اسلامی است!

نزدیک به چهار دهه از عمر رژیم زنستیز جمهوری اسلامی می‌گذرد و حتی دقیقه‌ای ماشین کشتار و سرکوب دولتی خاموش نشده است. ۲۸ سال پس از کشتار دسته‌جمعی زندانیان سیاسی دهه ۶۰ نهایتاً چرخنده‌های ماشین مرگ در دولت سرکوبگر جمهوری اسلامی لحظه‌ای از حرکت نایستاده، بلکه دستگاه اعدام و شکنجه و کشتار تداوم یافته است. رژیم جمهوری اسلامی به‌عنوان بخشی از نظام سرمایه‌داری بر پایه کشتار و سرکوب سازمان‌یافته دولتی استوار است، فقط در ایران این کشتار و سرکوب در چارچوبه یک رژیم تئوکراتیک، اشکال به‌غایت عریان، بدوی و آشکارا مذهبی به خود گرفته است. کما این‌که نگاهی کوتاه به روند قدرت‌گیری دولت‌های اسلامی در منطقه، تصویر ظهور و استقرار رژیم جمهوری اسلامی را حتی برای «نسل بعد از ۵۷» هم روشن‌تر می‌کند. این‌که چرا و چگونه جمهوری اسلامی از درون سرکوب خونین و به عقب راندن زنان؛ تدوین قوانین مبتنی بر شریعت اسلام؛ حمله بی‌رحمانه به احزاب، ملیت‌ها و اقلیت‌های مذهبی؛ سرکوب خونین جنبش انقلابی مردم و کشتار نسلی از جوانان انقلابی که رؤیای ساخت جهان دیگری را در سر می‌پروراندند، در دهه شصت و خصوصاً تابستان ۶۷ تلاش کرد پایه‌های حکومت خود را محکم و بر تضادهای داخلی و بین‌المللی‌اش موقتاً غلبه کند؛ تا بالاخره امروز بعد از ۳۷ سال سرکوب و ارباب و کشتار برای تداوم نظام ستم و استثمارش به‌پای میز مذاکرات «دیپلماتیک» با امریالیست‌ها و خصوصاً امریکا بنشیند؛ تا نشان دهد کماکان برای حفظ منافع سرمایه‌داری و به بند کشیدن و سرکوب مردم در ایران «شایسته‌ترین» است.

اما همواره برای رژیم کشتار و اعدام جمهوری اسلامی معنای «نرمش» در سطح بین‌المللی، تداوم و تشدید سرکوب داخلی بوده است. همان‌طور که در سال ۶۷ پذیرش قرارداد «صلح» بین ایران و عراق که باعث تضعیف وحدت و انسجام ایدئولوژیک درون حکومتی و پایه‌های حکومتی می‌شد، یکی از محرک‌های کشتار زندانیان سیاسی بود، امروز هم نیاز به سازش‌های بزرگ با قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای و چرخش‌های کلان سیاسی، جمهوری اسلامی را با تضادهای بزرگی مواجه کرده است. بیهوده نیست که هم‌زمان با قدم‌های نهائی برای «برجام» تحت هدایت «دولت اعتدال» که باید نماینده چهره «لطیف‌تر» جمهوری اسلامی باشد، روند اعدام‌ها رشد فزاینده‌ای به خود گرفته است. موج جدیدی از کشتار جمعی زندانیان تحت عنوان معاند و محارب، سلفی، مخالف سیاسی، جاسوس و نفوذی و ... به راه افتاده است؛ و دستگیری و سرکوب فعالان سیاسی شدت یافته و در مقابل کوچک‌ترین اعتصاب و اعتراض صنفی و

حقوقی و ... با شدت عمل بالا برخورد می‌شود؛ کارگران، خبرنگاران و جوانان و ... به بهانه‌های واهی شلاق می‌خورند؛ و سرکوب و ارعاب قانونی و تشدید خشونت علیه زنان نیز ابعاد و اشکال فزاینده‌ای پیدا کرده و ... و جمهوری اسلامی هم ابعاد مختلف دستگیری، شکنجه، شلاق، ارعاب، زندان و اعدام و ... را عامدانه در جامعه منعکس می‌کند.

در این بحبوحه کشتار و سرکوب اما فرارسیدن ۲۸مین سالگرد کشتار جمعی زندانیان سیاسی، ابعاد دیگری به خود می‌گیرد. هرچند که باز هم مثل هر سال یادآوری کشتار بی‌رحمانه و خونین مبارزان و انقلابیون در دهه شصت و تابستان ۶۷ خون را به جوش می‌آورد و خشم بر دل و اشک بر چشم می‌نشانند؛ هرچند که یاد و خاطره مقاومت نسلی که «سر دادند و سر ندادند» سرشار از غرورمان می‌کند و پُر می‌شویم از قدرت نسلی که قدرت «شاه و شیخ» را برنافت؛ هرچند که باز هم جسارت زنانی که اراده نمایندگان نرینه خداوند بر روی زمین را با دادن جان‌شان به سخره گرفتند، محسورمان می‌کند و ... اما باز هم مثل هر سال می‌گوئیم و تکرار می‌کنیم: «نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم!».

چرا؟

نه فقط چون از راه رفتن بر خاکی که خاوران‌ها را در خود جا داده است خشمگینیم، نه فقط چون جان‌های عزیزشان را ردیالنه در زندان‌ها بازستاندند، نه فقط چون آمرین و عاملین این جنایات باید در پیشگاه مردم شناسائی و مجازات شوند، نه فقط چون جنایت‌پیشگان یکنیکی ردای خون‌خواهی به تن می‌کنند و دستان آلوده را پشت سر پنهان می‌کنند، نه فقط چون مشاوران و متحدان جنایتکاران با گردن افراخته ادعای عدالت‌پروری و اعتدال‌گرایی می‌کنند و خاک در چشم مردم می‌پاشند، نه فقط چون عده‌ای حتی جان‌بازی و جان‌فشانی آنان را سرمایه کرده‌اند، نه فقط چون باید رنج و آلام بی‌پایان بازماندگان و خانواده‌ها را جمعی به دوش بکشیم و ... چون باید تکرار این جنایات را قاطعانه و برای همیشه بگیریم.

به همین دلیل هم اگرچه خشم ما از گذشته خون‌بار تاریخی نشأت گرفته، اما صرفاً برای تصفیه حساب با گذشته نیست. ما عمیقاً می‌دانیم که هدف این خشم نمی‌تواند انتقام از افراد باشد. چون تجربه زیست رژیم جمهوری اسلامی هم به‌خوبی نشان می‌دهد که کلیت این نظام بر پایه کشتار و سرکوب مردم بنا شده است. از طرفی هم امید به ترمیم و تغییر چنین حکومتی، امید به تغییر در چارچوبی که پدر/مردسالاری یکی از ارکان بنیادین آن است، امید به رأفت و عدالت در دستگاهی که بر پایه نابرابری عمیق استوار شده است، اگر خیانت آشکار نباشد، توهم و خوش‌خیالی محض است.

آری! به همین دلیل هم ما «فراموش نمی‌کنیم!» که این رژیم چگونه زنانی را که آگاهانه برای تغییر یک جامعه به‌غایت زن‌ستیز وارد میدان مبارزه شده بودند، زیر شکنجه‌های وحشیانه جنسیتی قرار داد و دسته‌دسته به جوخه‌های اعدام سپرد تا درس عبرتی برای سایر زنان جامعه باشند. ما «فراموش نمی‌کنیم!» شکستن، تخریب، تخطئه و حشیانه زنانی را که برای رسیدن به آرمان‌های‌شان حتی اسلحه به دست گرفتند، اولین گام عقب راندن زنانی بود که وجودشان در جامعه، کلیت ایدئولوژی و فلسفه وجودی جمهوری اسلامی را به خطر می‌اندازد. ما «فراموش نمی‌کنیم!» که یکی از اهداف بزرگ رژیم واپس‌گرای جمهوری اسلامی محروم کردن ما از نسلی از زنان انقلابی و کمونیست بود که رؤیای ساخت جهان دیگری را زندگی کردند. ما «فراموش نمی‌کنیم!» که بزرگ‌ترین «جرم» این نسل‌پایداری بر سر موضوعی بود که منافع فرودستان را در خود داشت. فراموش نمی‌کنیم نسل آرمان‌گرایی را که اگرچه با درک‌های متفاوت، خود را انقلابی می‌دانستند، اما برای ساخت و استقرار جامعه‌ای از بنیاد متفاوت تلاش کردند. برای این نسل انقلاب خشونت نبود، انقلاب درهم شکستن توحش و خشونت سازمان‌یافته موجود بود.* اما جمهوری اسلامی نشان داد که به‌عنوان دولت نوپای اسلامی در به وجود آوردن دستگاه توحش و خشونت سازمان‌یافته تبحر دارد. جملاتی که از قلم و زبان

خمینی برای کشتار مخالفان صادر شد،** کینه‌توزی‌های انتقام‌جویانه یک آیت‌الله دگم نیست، ضروریات یک دستگاه دولتی در جامعه طبقاتی است که از پشتوانه شرع بهره می‌گیرد. حتی مخالفت‌های آیت‌الله مغضوبی چون منتظری هم نه مخالفت با اصل سرکوب در ساختار دولتی بلکه ایرادهای شرعی‌ست که عمدتاً برای حفظ «آبروی اسلام و نظام» طرح شدند. کم نیستند کسانی که همین امروز هم از زاویه بقای نظام جمهوری اسلامی می‌گویند: «فراموش نکنید! اما ببخشید!». دل نگرانی این افراد هم دادخواهی از فجایع گذشته نیست، مسأله کماکان تلاش برای حفظ شرایط موجود با قبول بخشی از «اشتباهات» گذشته است.

«نمی‌بخشیم!» چون نه‌تنها رژیم جمهوری اسلامی یک نسل از زنانی را که سودای رهایی در سر داشتند، در قفس تنگ خود محصور و نابود کرد بلکه با سرکوب آنان سنگ بنای استقرار یک رژیم زن‌ستیز اسلامی که قوانین شرع را پشتوانه روابط پدر/مردسالارانه خود کرده است، گذاشت؛ دولت‌هایی که در آن ستم بر زن قانونی است؛ و سرکوب و ارباب زنان یکی از دیرک‌های اصلی حکومت‌شان است. «نمی‌بخشیم!» چون استقرار جمهوری اسلامی نقش بزرگی در تعمیق و تشدید ستم و خشونت علیه زنان در سراسر جهان داشته است و امروزه میلیون‌ها زن قربانی سلطه مردسالارانه بنیادگرایی اسلامی هستند.

به همین علت هم ما مطمئن‌تر از همیشه، پر قدرت‌تر از همیشه و خشمگین‌تر از همیشه تکرار می‌کنیم که «نه می‌بخشیم! و نه فراموش می‌کنیم!» هرچند برای ما زنان خشم ناشی از کشتار یک نسل انقلابی نیروی محرکه پایان‌ناپذیری برای دادخواهی و حقیقت‌یابی است، اما می‌دانیم دادخواهی واقعی برانگیختن دوباره یک موج انقلابی برای در هم کوبیدن ماشین دولت جمهوری اسلامی است. برای به راه انداختن چنین جنبشی که رهایی زنان در سرلوحه برنامه‌اش باشد، ما باید جمع‌بندی علمی و عمیقی داشته باشیم تا بدانیم چرا زنان به‌رغم سرکوب و ارباب هر دم فزاینده، باید در صف اول این مبارزه جای بگیرند. چرا درس‌آموزی از مقاومت متهورانه زندانیان سیاسی دهه ۶۰ و تابستان ۶۷ بخش مهمی از مبارزه ما برای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی است؛ خصوصاً امروز که ۲۸ سال از کشتار زندانیان سیاسی، در پشت درهای بسته زندان‌های جمهوری اسلامی می‌گذرد، اما نه کشتار و شکنجه و اعدام در درون و بیرون زندان پایان یافته؛ و نه مقاومت و مبارزه و خواست تغییر و رهایی کل بشریت و ساخت جهانی که در آن هیچ‌کس به خاطر داشتن عقاید مخالف زندانی و اعدام نشود!

* اشاره به نقل‌قولی از لنین

** «کسانی که در زندان‌های سراسر کشور بر سر مواضع نفاق پافشاری کرده و می‌کنند، محارب و محکوم به اعدام می‌باشند ... رحم بر محاربین ساده‌اندیشی است... امیدوارم با خشم و کینه انقلابی خود نسبت به دشمنان اسلام رضایت خداوند متعال را جلب نمائید. والسلام» روح‌الله خمینی

سازمان زنان هشت مارچ (ایران - افغانستان)

اگست ۲۰۱۶ / شهریور [سنبله] ۱۳۹۵

www.8mars.com

zan_dem_iran@hotmail.com

org.https://facebook.com/8Mars